

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



گمشده ها و فراریها!

روزی نیست که خبری از گمشدن و فرار کردن جوانان در صفحه حوادث روزنامه ها نباشد؛ و اولیاء آنها بالحن تضرع آمیزی از مردم تقاضای کمک برای یافتن جگر گوشه های خود نمایند.

تنهادر روز یکشنبه ۲۳/۱/۴۳ در صفحه حوادث یکی از جرائد عصر تهران پنج آگهی مربوط بگمشدن پنج جوان «بیست ساله» یا کمتر، باعکس و تفصیلات! بچشم میخورد که اولیاء آنها از خوانندگان تقاضا کرده بودند در صورت اطلاع از فرزندان آنها بنشانیهای معینی بآنها خبر دهند.

در یکی از آگهیها این جمله دیده میشود: پدر و مادر این جوان بواسطه دوری او بیمار شده اند...

اینهم یکی دیگر از فرآورده های محیط اجتماعی فعلی ماست که اخیراً بصورت وحشتناکی در آمده و با گذشت زمان تشدید میگردد.

در زمانهای پیش گاهی اطفال کوچک بر اثر گم کردن راه از خانه ولانه خود دور می افتادند و راه گذر با ایمانی آنها را پیدامی کرد و بکسانشان میرساند.

اما امروز کمتر از گمشدن اطفال گفتگو میشود، صحبت از گمشدن و فرار کردن جوانهاست که خانه و مسکن خود را برای مدتی - و شاید برای همیشه - ترک گفته، و پدر و مادر و نزدیکان خود را بفراق دردناکی گرفتار می سازند.

با اینکه مرگ يك جوان بسیار دردناك است اما با اینهمه شاید مرگ يك جوان آنقدر دردناك نباشد كه گمشدن او .

زیرا در اینجا فکر پدر و مادر و نزدیکان او همه جا می‌رود ؛ و اگر از گمشده خود خبری نیابند برای يك عمر داغ دارند ؛ همیشه رؤیاهای وحشتناکی در مقابل فکر آنها مجسم می‌شود ؛ و آنها را دستخوش پریشانی و اضطراب می‌سازد . بسیار می‌شود كه اینگونه پدران و مادران به بیماریهای روانی مبتلا می‌شوند و گاه تا سرحد جنون پیش می‌رود .

گذشته از اینها كه شدن يك جوان ممكن است لطمه غیر قابل جبرانی بحیثیت يك خانواده وارد كند ، مخصوصاً اگر دختر جوانی از آنها كم شود ؛ در حالی كه مرگ او این اثر را ندارد . این موضوع ، باتمام بدبختیهائی كه بدنبال خود بیار می‌آورد ، یکی از هزاران گرفتاری فردی و اجتماعی امروز است كه بر اثر تقلید كور كورانه از «ظواهر» تمدن غربی (آری فقط از ظواهر ...) دامنگیر ما شده است . دلیل آنها اینست كه موضوع گمشدن و فرار فرزندان از «كانون خانواده» بیش از همه جادری «تهران» یعنی « دروازه ورود تمدن اروپائی بكشور ما» دیده می‌شود .

بارها گفته‌ایم تا ما رشد كافی پیدا نكنیم ، و دست از این تقلید كور كورانه بدون قید شرط بر نداریم ، و جنبه‌های «همیت» تمدن غربی را از جنبه‌های «هنقی» آن تفكیک نكنیم ، بهیچ سرنوشت مبتلا هستیم .

تاسینماها ، مطبوعات مسموم و ... جوانان را بزنگیهای موهوم و خیالی ، و جنبه‌های شهوانی و هوسرانی زندگی سوق میدهند باید شاهد اینگونه مناظر اسفانگیز - و بدتر از آن - باشیم . اینها بلاهائی است كه خودمان عامل اصلی آن هستیم ؛ و آتشیهای سوزانی است كه بدست خود افر و خته‌ایم !

* * *

چرا جوانان از كانون خانواده میگریزند ؟ !

اینگونه حوادث اسفناك اجتماعی، درست مانند دملهای چركینی است كه در بدن انسان پیدا می‌شود و حكایت از فاسد شدن خون ، كار نكردن كبد ؛ یا خرابی سایر دستگاههای درونی می‌كند .

این حوادث نیز حاکی از اینست كه مزاج اجتماع سالم نیست ، دستگاههای مختلف :

فرهنگ ، خانواده ، مطبوعات ... خوب کار نمی کنند و به بیماریهای گوناگونی مبتلا هستند از نظریک دانشمند روانشناس اجتماعی ، این پدیده اجتماعی ممکن است عوامل گوناگونی داشته باشد که قسمتی از آن فهرست وارذیلا از نظر خوانندگان گرامی میگردد :

۱- کمبود محبت - فرزندان تشنه محبت است ، و بیش از آنچه بآب و غذا احتیاج دارد به «محبت» محتاج است ؛ تنهارشته ای که میتواند پیوندیک کودک یا جوان را با خانواده خود برای همیشه محکم نگاهداردهمان رشته محبت است .

محیط خانه باید جاذبه و کشش داشته باشد و فرزندان را بسوی خود جذب کند ؛ محیط خانه باید طوری باشد که فرزندان هنگام خستگی و ناراحتی ، در مشکلات و گرفتاریها ، بان پناه ببرند و آنها را باغوش گرم خود بپذیرد .

اسلام که با موشکافی عجیب خود تمام عوامل سعادت و خوشبختی بشر را مورد بررسی قرار داده برای این موضوع اهمیت زیادی قائل شده تا آنجا که پیامبر اسلام (ص) در باره کسی که میگفت : «من فرزندان زیادی دارم اما هرگز یکی از آنها را ننویسیده ام» فرمود : «این مرد اهل دوزخ است» ؛ آری ، محبت نشانه بهشتیان و بی مهری علامت اهل دوزخ است .

محبت پدر و مادر نه تنها فرزندان را بمحیط خانواده پای بند میسازد بلکه نهال عواطف انسانی را در وجود آنها بارور میکند. ولی بدبختانه عده ای از پدران و مادران نادان ، بر اثر پیروی کورکورانه از تمدن غربی فرزندان خود را برای مدت زیادی در پرورشگاهها از خود دور نگاه میدارند ، اینگونه فرزندان نه تنها از عواطف و محبت چیزی نمی فهمند ؛ بلکه افرادی خطرناک خواهند بود و تجربه نشان داده جانیهها بیشتر از این دسته اند ؛

۲- عدم مراقبت لازم - بسیاری از پدران و مادران عملاً برای خود مسئولیتی در برابر فرزندان خود قائل نیستند و بهمین دلیل مراقبتی از آنها نمیکنند . مخصوصاً اگر از آن فرنگی مآبهای هفت آتش و معتقد باصل «آزادی فرزندان» (البته آزادی بان معنی که آنها خیال میکنند نه آزادی واقعی) باشند، اینجا است که اصلاً مراقبت را بکنوع سلب آزادی و مضرت بر بیت فرزند میدانند ؛

بدیهی است اطفال و جوانان روح پاک و بی آلاشی دارند و بهمین دلیل زود فریب میخورند و در برابر هر شیاد و راهزنی تسلیم میشوند ؛ بهین جهت احتیاج شدیدی بمراقبت دائمی پدران و مادران دارند ، که از نظر معاشرت ؛ رفت و آمد ؛ و سایر قسمتها وضع آنها را کاملاً تحت

نظر بگیرند و در صورت انحراف فوراً آنها را بطرز مناسبی متوجه سازند ! والا يك روز باخبر میشوند که از فرزند آنها خبری نیست و با احتمال قوی طعمه يك «گرگ آدم‌نما» شده است .

۳ - نواقص برنامه های تربیتی - يك بدبختی بزرگ دیگر که جزء عوامل اصلی

فرار و گم شدن جوانان محسوب میشود اینست که عده‌ای از مریبان جوانان (اعم از فرهنگی و غیر فرهنگی) تصور میکنند يك برنامه صحیح و کامل تربیتی آنست که حتماً آب و رنگ اروپائی داشته باشد ؛ و لذا بیش از آنچه بتهیه برنامه های اصیل تربیتی متناسب با روحیه جوانان فکر میکنند به «آب و رنگ اروپائی» آن میاندايشند ، و مثلاً يك نشانه تربیت را این میدانند که عده زیادی دختری یا پسر جوان را توی يك ماشین ریخته و برای گردش بسواحل دریای خزر ببرند ! تازه این در صورتی است که فرهنگ برای خود مسئولیتی جز «ناباشتن مقداری از معلومات در مغز جوانان» قائل باشد و موضوع «تربیت» راهم جزء وظائف خود بداند ، والا ناگفته پیداست که چه وضع اسفناکی بوجود خواهد آمد .

۴ - راهزنان اجتماعی - از اینها گذشته يك عامل مهم دیگر برای این بدبختی یعنی گم شدن

و فرار کردن جوانان همین وجود دزدان و راهزنانی است که با کمال تأسف گاهی در لباس «مؤلف» ؛ «روزنامه نگار» و لباسهای دیگر، ظاهر میشوند و با استفاده از این سنگرهای حساس افکار مسموم و زهر آلود خود را بجوانان تزریق میکنند و آنها را بپر تگاههای فساد اخلاق و روابط نامشروع پسران و دختران میکشاند. اینجاست که با مطالعه يك کتاب ؛ یا دیدن يك فیلم بپدر و مادری خبر میرسد که پسر جوان شما با فلان دختر جوان بسوی مقصدنا معلومی فرار کردند ؛ عجب اینست که این راهزنان گمراه نیز مناع قلبی خود را بنام فرآورده تمدن قالب میزنند ! .

میگویند :

چند برابر پولهاییکه حجاج بمکه میبرند ، واجب الحج های حقیقی ؛
تنها امسال و در این شب عیدی بارو با و لبنان برده اند ! . بطوریکه در بیروت از
زور زیادی مسافرین ایرانی و خرجهای آنچنانی بهای دلار امریکائی مقادیر
زیادی پائین آمده بود ! !

(نقل از خواندنیها شماره ۵۴)